

چشم‌انداز آینده حضور ایران و روسیه در سوریه پس‌اسد

عارف بیژن

پژوهشگر مطالعات روسیه

یکی از عوامل اصلی که منجر به سرنگونی بشار اسد شد، تصمیم بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای عدم مداخله مجدد برای حمایت از او بود. تهران از مدت‌ها پیش از سوریه به عنوان عاملی برای نفوذ در منطقه استفاده کرده و در زمان آغاز جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، منابع و نیروی انسانی قابل توجهی را برای حفظ اسد در قدرت به کار گرفت. مسکو نیز روابط خود با اسد را منبع نفوذ منطقه‌ای می‌دانست و مداخله سال ۲۰۱۵ آن در سوریه برای حفظ اسد در قبال قدرت تعیین کننده بود. اما در شرایطی که روسیه در اوکراین گرفتار شده است و ایران و متحدانش مانند حزب‌الله و حماس به دلیل درگیری پس از ۱۷ اکتبر با اسرائیل مایل به نجات اسد برای بار دیگر نبودند، مسیر آینده سوریه نامشخص به نظر می‌رسد و وضعیت آن پس از اسد احتمالاً با منافع روسیه و ایران در هاله‌ای از ابهام به سر خواهد برد. بنابراین توجه به این مساله که سرنگونی اسد چه معنایی برای ایران و روسیه دارد بسیار مهم است و راهبرد پیش‌روی دو کشور برای تغییر سیاست‌های گذشته قابل بررسی مجدد است.

برداشت تهدید روسیه در بحران سوریه

رقابت فزاینده روسیه با غرب از یک سو و خطرات بالقوه سیاسی، امنیتی و اقتصادی تغییر دولت در سوریه برای منافع مسکو از سوی دیگر، عناصر اصلی شکل دهنده درک تهدید روسیه از درگیری سوریه در مراحل اولیه آن بودند. موضع روسیه در چهار سال اول بحران سوریه را می‌توان به بهترین شکل به عنوان یک ناظر فعال توصیف نمود. در واقع مسکو به غیر از ابراز حمایت سیاسی از دولت سوریه، کمک به چند پیشنهاد صلح و همکاری با واشنگتن برای از بین بردن ذخایر تسلیحات شیمیایی سوریه در سال ۲۰۱۳، هیچ اقدام مستقیم، یعنی نظامی به جز صادرات منظم تسلیحات به سوریه که برای چندین دهه ادامه داشت در حمایت از اسد انجام نداد. با این حال، پس از الحاق کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴، زمانی که ایالات متحده و اتحادیه اروپا تحریم‌هایی را علیه روسیه وضع کردند، مسکو شروع به ارزیابی مجدد جایگاه بین‌المللی خود بر اساس فرض بدتر شدن روابط با غرب کرد. (۱) به عبارت دیگر، بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ نقطه عطفی در روابط روسیه و غرب بود که یکدیگر را یک تهدید می‌دانستند و سیاست‌های خارجی خود را در بخش‌های مختلف جهان بر این اساس تنظیم می‌کردند. (۲)

سوریه یکی از اولین جاهایی بود که رقابت مجدد بین روسیه و غرب در آن به نمایش گذاشته شد. باتوجه به حمایت یکپارچه غرب از مخالفان سوریه و فشار بین‌المللی برای برکناری اسد از قدرت، مداخله موفقیت‌آمیز روسیه برای نجات دولت دمشق ابزار گرانمایی برای موازنه در برابر غرب در اختیار مسکو قرار داد. بدین معنا که روسیه به نوعی می‌توانست مرزهای رقابت با غرب را از مرزهای غربی خود با اوکراین به صدها کیلومتر دورتر در غرب آسیا منتقل کند. در مقابل، باتوجه به شراکت نزدیک اقتصادی و سیاسی مسکو با دمشق، به

نظر می‌رسید که کرملین این نگرانی را ایجاد کند که یکی از دلایل اصلی تلاش‌های غرب برای تغییر دولت اسد در سوریه ممکن است ضربه زدن به منافع روسیه باشد. از این گذشته، روس‌ها فراموش نکرده بودند که چگونه چراغ سبز چند سال پیش آن‌ها به ناتو برای مداخله نظامی در لیبی بر منافع اقتصادی و راهبردی روسیه در شمال آفریقا تأثیر منفی گذاشته بود. (۳) بنابراین، درک روسیه از ماهیت تهدیدآمیز روزافزون نقش غرب در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، محاسبات مسکو و متعاقباً مداخله نظامی این کشور در سوریه را تغییر داد.

همچنین تفسیر مسکو از نظام بین‌الملل، قوانین بین‌المللی و جایگاه روسیه در عرصه جهانی به‌عنوان یک قدرت بزرگ به رقابت روسیه و غرب مرتبط بود. برخلاف اوکراین، که تمامیت ارضی آن از سال ۲۰۱۴ به‌طور مداوم توسط روس‌ها به چالش کشیده شده است، مسکو از احترام به اصول حاکمیت دولت و عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها دفاع کرده است. این موضع در عمل به روسیه در مخالفت با مداخله خارجی و تهدید به استفاده از زور علیه این کشور تعبیر شده است. (۴) برخی بر این باورند که تأکید روسیه بر اصول فوق در مورد سوریه از نگرانی این کشور ناشی می‌شود که ممکن است روزی توسل بیش از حد به مداخله نظامی علیه دولت‌های ناکارآمد ممکن است روزی به دیگر متحدان نزدیک خود بازگردد، به‌ویژه آنهایی که در میان جمهوری‌های شوروی سابق به‌عنوان غیردموکراتیک و مستعد بی‌ثباتی‌های مشابه سوریه طبقه‌بندی می‌شوند. از این منظر، مخالفت با مداخله غرب به‌طور کلی در سوریه عمدتاً تلاشی از سوی مسکو برای تضمین تداوم نفوذ خود بر سرزمین‌های شوروی سابق بوده است. (۵)

فاکتور بین‌المللی به کنار، آنچه رهبران روسیه را متقاعد کرد که حمایت خود از اسد را به سطح نظامی ارتقا دهند، حفظ و حتی گسترش حضور نظامی خود در دریای مدیترانه بود. در اواسط سال ۲۰۱۵، زمانی که شورشیان سوری مصمم به راهپیمایی به سمت غرب سوریه بودند، روسیه شروع به نگرانی در مورد سرنوشت تاسیسات دریایی خود در طرطوس کرد. (۶) این تاسیسات در یک موقعیت راهبردی مهم قرار دارند و می‌توانند به‌عنوان پایگاهی برای عملیات نظامی احتمالی روسیه در غرب آسیا، شمال آفریقا و حتی در اروپا مورد استفاده قرار گیرند. (۷) همچنین پس از آغاز مداخله نظامی، روس‌ها تمایل خود را برای برقراری کنترل نظامی در سراسر بخش‌هایی از سوریه در سمت دریای مدیترانه با توسعه پایگاه هوایی در حمیمیم در نزدیکی لاذقیه نشان دادند.

در دوره بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، ظهور گروه‌های مسلح رادیکال، عمدتاً دولت اسلامی (داعش) و جبهه النصره، یکی دیگر از نگرانی‌های شدید مسکو شد، به‌ویژه که این گروه‌ها توانسته بودند تعداد قابل توجهی از شبه‌نظامیان را از مناطق مسلمان‌نشین فدراسیون روسیه و دیگر جمهوری‌های شوروی سابق جذب کنند. (۸) به نوعی، ایده این بود که روسیه باید آن رادیکال‌ها را در زمانی که هنوز در سوریه بودند از بین ببرد و گرنه به زودی تجربه میدان جنگ خود را به خانه بازمی‌گردانند و به تهدید امنیتی مهم‌تری تبدیل می‌شوند. اما به‌طور کلی، رهبران روسیه همیشه سرریز ایده‌های اسلام‌گرای رادیکال از غرب آسیا به خاک روسیه و همسایگی آن پس از شوروی به‌ویژه پس از دو جنگ خونین با اسلام‌گرایان در چین و منطقه وسیع تر قفقاز شمالی را جدی گرفته‌اند. (۹)

خطر بالقوه تغییر نظام سیاسی در سوریه برای منافع اقتصادی روسیه جنبه دیگری از درک تهدید مسکو را تشکیل داد. به‌طور سنتی، سوریه یک بازار پرسود برای تسلیحات و تجهیزات نظامی روسیه بوده است. طبق گزارش موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم، بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱، یعنی درست قبل از بحران سوریه، صادرات تسلیحات روسیه به سوریه در مقایسه با دوره ۲۰۰۶-۲۰۰۲، ۵۸۰ درصد

افزایش یافته است. این گزارش همچنین نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۱، سوریه با قراردادهایی به ارزش ۳.۵ تا ۳.۸ میلیارد دلار، پنجمین مشتری بزرگ تسلیحات روسیه بود. همچنین مسکو ۷۸ درصد از واردات تسلیحات سوریه را طی پنج سال قبل از سال ۲۰۱۲ به خود اختصاص داده است. (۱۰) در کنار صادرات تسلیحات، تغییر نظام سیاسی در سوریه نیز می‌تواند منافع تجاری منظم روسیه را به خطر بیندازد. در سال ۲۰۰۹، سرمایه‌گذاری روسیه در سوریه بالغ بر ۱۹.۴ میلیارد دلار بود. در سال ۲۰۰۵، روسیه ۱۳.۴ میلیارد دلار از بدهی‌های سوریه را بخشید. این اقدام قراردادهای پرسودی را برای شرکت‌های روسی به‌ویژه در صنایع انرژی و تسلیحات به همراه داشت. (۱۱) بنابراین، می‌توان استدلال کرد که درک تهدید روسیه از بحران سوریه ترکیبی از عوامل بین‌المللی، ژئوپلیتیکی، قومی مذهبی و اقتصادی است.

درک سقوط اسد برای روسیه

در کنار ایران، روسیه سال‌ها حامی اصلی دولت اسد بوده است. با شروع جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، کرملین با وام، حمایت سیاسی و ارسال تسلیحات از اسد حمایت کرد. در سال ۲۰۱۵، حمایت روسیه از نظر کیفی با حملات هوایی روسیه در سپتامبر آن سال و با افزایش نقش نظامی روسیه در آن درگیری ادامه یافت. دلایل متعددی برای حمایت روسیه از اسد وجود دارد. اول و شاید مهم‌تر از همه، روسیه می‌خواست اسد را در قدرت نگه دارد، زیرا کرملین معتقد بود که این ضربه‌ای به ایالات متحده، متحدان و دوستانش خواهد بود. برای پوتین، به نظر می‌رسید که تهدید دولت اسد بازتاب سرنگونی معمر قذافی دیکتاتور لیبی است که او آن را به تغییر رژیم تحت حمایت ایالات متحده در حمایت از «انقلاب‌های رنگی» در قالب‌های عراق یا اوکراین نسبت داد. بنابراین، جلوگیری از سرنگونی اسد به روسیه اجازه می‌داد تا نظم جهانی تحت رهبری ایالات متحده و آنچه پوتین به‌عنوان تلاشش برای گسترش دموکراسی می‌داند، رد نماید. دوم، حفظ اسد در قدرت به کرملین در مورد تداوم حضور نظامی خود در آن منطقه مهم راهبردی کمک نمود. (۱۲)

حتی قبل از جنگ داخلی سوریه، روسیه یک حضور نظامی طولانی مدت در سوریه داشت و یک پایگاه دریایی متعلق به دوران شوروی در طرطوس داشت. پس از مداخله در جنگ داخلی سوریه، روس‌ها پایگاه هوایی در حمیمیم نیز ساختند. این پایگاه‌ها (و دیگر تأسیسات نظامی روسیه در این کشور) به مراکز مهمی برای عملیات نظامی یا نفوذ روسیه در غرب آسیا و شمال آفریقا تبدیل شدند. از طریق آنها، روسیه توانست از هدف راهبردی دیرینه خود در گسترش قدرت فراتر از دریای سیاه به مدیترانه شرقی حمایت نماید. این تأسیسات به‌ویژه پس از حمله گسترده روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، زمانی که ترکیه به کنوانسیون مونتر و استناد کرد و روسیه را از انتقال کشتی‌های جنگی از دریای سیاه به مدیترانه (و بالعکس) ممانعت کرد، اهمیت پیدا نمود. بنابراین، اگر روسیه می‌خواهد به حمایت از تلاش‌های نظامی در لیبی یا سایر نقاط آفریقا ادامه دهد، باید این پایگاه‌ها را در سوریه حفظ کند یا کشتی‌ها و تجهیزات را از نقاط دورتر مانند دریای بالتیک منتقل کند. در واقع، خروج اسد از سوریه تهدید بالقوه‌ای برای هر دوی این اهداف است. بدین معنا که روسیه در خطر از دست دادن پایگاه‌های نظامی خود در این کشور است. اگرچه در حال حاضر، روسیه به نحوی توانسته کنترل آنها را حفظ کند و بنا به گزارش‌ها، با گروه تحریر الشام توافق کرده است که به استفاده از پایگاه‌های مذکور ادامه دهد، هرچند عکس‌های ماهواره‌ای اخیر نشان

می‌دهد که کشتی‌های روسی طرطوس را ترک کرده و در سواحل سوریه واقع شده‌اند. بنابراین، مشخص نیست که این تغییر قدرت چه تاثیری بر نیروهای روسیه در منطقه خواهد داشت. (۱۴)

اما آنچه واضح‌تر است تاثیر خروج اسد بر اعتبار روسیه است. رفتن اسد به عنوان یکی از متحدان کلیدی پوتین به متحدان احتمالی دیگر این پیام را می‌دهد که روسیه ممکن است قادر به محافظت از رژیم‌های آنها در حالی که جنگ خود را علیه اوکراین انجام می‌دهد، نباشد. هیچ یک از این پیامدها احتمالاً در آینده نزدیک تاثیر قابل توجهی بر پوتین نخواهد داشت. (۱۵) با این حال، این پیامدها نشان می‌دهد که کرملین تا چه اندازه از نظر راهبردهای جهانی خود به‌ویژه برای به چالش کشیدن سلطه غرب برای حمایت از جنگش علیه اوکراین توجه ویژه‌ای به منافع ملی خود دارد و نشان‌دهنده مشکلات فزاینده کرملین در آینده است. این موضوع به طور گسترده‌تر، نشان می‌دهد که وسواس یک‌جانبه پوتین برای جنگ علیه اوکراین، او را به قربانی کردن اولویت‌های دیگر، مانند بازگرداندن نفوذ و اعتبار جهانی روسیه سوق می‌دهد. خروج اسد ممکن است به حمایت روسیه بستگی نداشته باشد، اما همچنان پیامی برعکس خواهد داشت.

درک تهدید ایران در سوریه

اگر بیش از چهار سال طول کشید تا روسیه در مورد مداخله نظامی مستقیم در سوریه تصمیم بگیرد، برای ایران، این فقط چند هفته بود. دلیل این امر اهمیت قابل توجه سوریه برای جمهوری اسلامی از نظر ژئوپولیتیک و ایدئولوژیک بود. سوریه به‌عنوان تنها متحد دولتی ایران در جهان عرب، همواره برای جمهوری اسلامی ارزش راهبردی بالایی داشته است. همچنین، از زمان سقوط رژیم صدام در عراق در سال ۲۰۰۳، سوریه به‌عنوان یک پل ژئوپولیتیکی ایفای نقش کرده است که به ایران اجازه می‌دهد تا قدرت خود را به سمت غرب تا لبنان و دریای مدیترانه گسترش دهد. تغییر نظام سیاسی در سوریه نه تنها ایران را از این مزیت منحصربه‌فرد ژئوپولیتیکی محروم می‌کند، بلکه می‌تواند رقابای منطقه‌ای ایران، به‌ویژه ترکیه و عربستان سعودی را تقویت کند و در نتیجه تهران را در منطقه دچار مشکل راهبردی کند.

به عبارت دیگر، سوریه برای ایران پایگاهی برای گسترش نفوذ خود در منطقه و سپر راهبردی محسوب می‌شود که وجود آن، هدف قرار دادن سرزمین اصلی ایران را برای دشمنان، به‌ویژه اسرائیل، بدون مواجهه با پیامدهای سنگین دشوار می‌سازد. تهران جنگ داخلی ۲۰۱۱ در سوریه را یک بازی حاصل جمع صفر می‌دانست و معتقد بود که در صورت سرنگونی دولت اسد در سوریه، چالش‌های ژئوپولیتیکی زیادی برای ایران در منطقه به وجود می‌آید. (۱۶) این همان چیزی است که مفهوم «دفاع پیشرو» در تفکر نظامی ایران را نشان داده است. همچنین ساختار علوی حاکم در سوریه به‌عنوان غیرسنی از پیوستن این کشور به هر جبهه منطقه‌ای سنی-عربی علیه ایران شیعه جلوگیری می‌کرد. بنابراین، از آنجایی که اکثریت جمعیت سوریه نیز سنی هستند، هرگونه جایگزینی برای نظام سیاسی اسد، همکاری و روابط راهبردی ایران و سوریه را به خطر می‌اندازد و قدرت‌های سنی مانند ترکیه و عربستان سعودی را تقویت می‌نماید. (۱۷) ایران همچنین نگران بود که سقوط اسد بتواند شبکه متحدان منطقه‌ای آن یعنی به اصطلاح محور مقاومت را تضعیف کند. اگرچه این مفهوم در دهه گذشته به‌طور فزاینده‌ای معنای ژئوپولیتیکی پیدا کرده است، اما اساساً یک مفهوم ایدئولوژیک است. جمهوری اسلامی ایران سوریه را

عضوی از این محور می‌داند که شامل حزب الله لبنان، انصارالله در یمن و تعدادی از گروه‌های مسلح غیردولتی در عراق و فلسطین می‌شود. (۱۸)

در واقع، ایران تحولات سوریه را توطئه‌ای از سوی آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن برای تضعیف و برچیدن محور مقاومت توصیف می‌کند. (۱۹) در همین راستا، علی اکبر ولایتی، مشاور عالی مقام رهبری، در ابتدای بحران سوریه گفت: «اگرچه آنچه در سوریه اتفاق می‌افتد یک امر داخلی است، اما اساساً رویارویی محور مقاومت با دشمنان آن در منطقه و جهان است و ایران به هیچ وجه شکستن محوری که سوریه نیز بخشی از آن است را تحمل نخواهد کرد. (۲۱)

در نهایت، ایران نیز نگران ظهور گروه‌های افراطی و تروریستی در سوریه و عراق بود، به‌ویژه داعش که از سال ۲۰۱۴ کنترل بخش‌های مهمی از هر دو کشور را به دست گرفت. بنابراین، اگرچه مداخله نظامی ایران در سوریه پیش از ظهور این گروه‌ها آغاز شده بود، اما تهدید بالقوه آن‌ها انگیزه جدیدی را به ایران برای افزایش حضور نظامی مستقیم و غیرمستقیم خود داد. به این ترتیب، می‌توان استدلال کرد که تا سال ۲۰۱۵، برخی از جنبه‌های اصلی درک تهدید ایران و روسیه نسبت به بحران سوریه با یکدیگر همپوشانی داشتند. برای هر دو کشور، نقش غرب در بحران سوریه و پیامدهای منفی احتمالی سقوط اسد برای موازنه قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله انگیزه‌های اولیه برای حمایت نظامی از اسد بود. علاوه بر این، آن‌ها در مورد تهدیدهای گروه‌های افراطی و تروریستی در سوریه و لزوم مقابله با آن‌ها نظرات مشترک داشتند. در مورد سایر جنبه‌ها، یعنی منافع اقتصادی برای روسیه و ملاحظات ایدئولوژیک برای ایران، این تصور رایج نیز وجود داشت که حفظ حکومت اسد پیش شرط لازم برای دستیابی به این اهداف است حتی اگر تهران و مسکو لزوماً به آن مسائل توجهی داشته باشند. در هر صورت، تصور مشترک از تهدید و درک مشترک از نیاز فوری به حفاظت از اسد، عوامل اصلی بودند که ایران و روسیه را به عنوان متحدین در سوریه گرد هم آوردند.

برداشت سقوط اسد برای ایران

سوریه تنها متحد نزدیک ایران در غرب آسیا به حساب می‌آمد. این خط مقدم در برابر دشمن اصلی ایران، اسرائیل و محور توانایی تهران برای نشان دادن قدرت در شام بود. حمایت گسترده ایران از اسد در طول جنگ داخلی سوریه، که در سال ۲۰۱۱ آغاز شد، نشان دهنده اهمیت این کشور برای راهبرد منطقه‌ای تهران است. تلاش‌های ایران، همراه با حمایت هوایی روسیه، کمک کرد تا اسد تا اواخر سال ۲۰۲۴ کنترل بسیاری از مناطق سوریه را در دست داشته باشد. از این تاریخ به بعد مقامات ایرانی به سرعت سرنوشت نظام سیاسی در سوریه را رصد کردند. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران در ۸ دسامبر ۲۰۲۴ گفت: «این مردم سوریه هستند که باید در مورد آینده کشورشان و نظام سیاسی و حکومتی آن تصمیم بگیرند.» (۲۲) وزارت امور خارجه ایران برای تعامل با دولت جدید ابراز تمایل کرد و بیان داشت «ملت‌های ایران و سوریه همواره روابط دیرینه و دوستانه داشته‌اند. انتظار می‌رود این رابطه با رویکرد عاقلانه و آینده‌نگر دو کشور بر اساس منافع متقابل و پایبندی به تعهدات حقوقی بین‌المللی ادامه یابد.» (۲۳) ایران از گروه تحریر الشام خواست از اماکن مقدس شیعیان در سوریه محافظت کند و این گروه تایید کرد که از حرم سیده زینب در دمشق محافظت خواهد کرد. (۲۴) با این حال، روابط آینده ایران با سوریه در هاله‌ای از ابهام است و ابومحمد الجولانی، رهبر هیئت تحریر الشام در سخنرانی پیروزی خود در ۸ دسامبر ادعا

کرد «این پیروزی جدید، برادران من، فصل جدیدی را در تاریخ منطقه رقم می‌زند، تاریخی مملو از خطرات (که باعث شد) سوریه به عنوان زمین بازی برای جاه‌طلبی‌های کشورهای غیرهمسو، گسترش فرقه‌گرایی، دامن زدن به فساد باشد.» (۲۵)

سقوط دولت اسد ممکن است ایران را به بازنگری در راهبرد «دفاع رو به جلو» سوق دهد. برای چندین دهه، ایران برای تحت فشار قرار دادن اسرائیل و جلوگیری از حملات به خاک ایران، به محور مقاومت از جمله سوریه و متحدان شبه‌نظامی در سراسر منطقه تکیه کرده است و هدف آن دور نگه داشتن درگیری‌ها از مرزهای ایران بود اما تهران برای تامین مجدد حزب‌الله بدون پل زمینی سوریه با چالش‌های لجستیکی قابل توجهی مواجه خواهد شد.

عامل ترکیه

ترکیه یکی از حامیان اصلی نیروهای «تحریر الشام» است که دمشق را تصرف کرده و به نظر می‌رسد در حال حاضر جناح غالب است. آنکارا می‌تواند از اهرم خود برای متقاعد کردن تحریر الشام استفاده کند تا به دلایل خودش به روس‌ها کمک کند که حضور خود در سوریه را تضمین کند. در صورتی که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور منتخب آمریکا از تعهد خود مبنی بر خروج نیروهای آمریکایی در شرق سوریه عقب نشینی کند، تداوم حضور نظامی روسیه به عنوان موازنه‌ای در برابر نفوذ اسرائیل و حضور ایالات متحده می‌تواند یک مزیت باشد. اردوغان همچنین ممکن است امیدوار باشد که همکاری با مسکو موضع او را در برابر کردها در شرق سوریه که همچنان از حمایت ایالات متحده برخوردار هستند، تقویت کند. در هر صورت، زمانی که ترک‌ها، ایرانی‌ها و روس‌ها در حاشیه کنفرانس بین‌المللی در دوحه قطر در سال ۲۰۲۵ میلادی برای گفت‌وگو درباره وضعیت سوریه با یکدیگر دیدار کردند، پایگاه‌های نظامی روسیه تقریباً موضوع گفت‌وگو بود. در دوره کنونی عدم قطعیت بزرگ، گرفتن هرگونه نتیجه‌گیری گسترده در مورد حضور روسیه و ایران در سوریه و غرب آسیا گسترده‌تر زود است. (۲۶) یک چیز مسلم است و اینکه پوتین به سادگی پایگاه‌های نظامی روسیه در سوریه را رها نمی‌کند و یک شکست راهبردی بزرگ را نمی‌پذیرد که نه تنها اعتبار روسیه را به عنوان یک قدرت بزرگ از بین می‌برد، بلکه موقعیت سیاسی داخلی او را نیز کاهش خواهد داد.

بنابراین آنکارا اکنون به آنچه در دمشق رخ می‌دهد، توجه ویژه‌ای دارد و تشخیص داده است که تصمیمات سوریه به عنوان یک کشور عربی، بر اساس روابطش با همسایگان عرب خود شکل می‌گیرد. به این ترتیب، واکنش عربستان سعودی، عراق و اردن برای ثبات یا عدم ثبات نظام سیاسی جدید سوریه اهمیت دارد. پس از سال‌ها انتقاد از اسد، آنها سال گذشته سوریه را به اتحادیه عرب دعوت کردند. شورای همکاری خلیج فارس در ۱ دسامبر از مخالفان اسد خواست عقب‌نشینی کنند. آنها اکنون باید برای مقابله با الجولانی و همچنین سایر نیروهایی که بر شمال شرق تسلط دارند، حرکت کنند. (۲۷)

آینده سیاسی سوریه

جهت‌گیری سیاسی و ایدئولوژیک آینده سوریه یکی از اختلافات بین رویکردهای ایران و روسیه بوده است. ایران می‌خواهد سوریه را در «محور مقاومت» نگه دارد، به این معنی که هیچ‌گونه عادی‌سازی بین سوریه و اسرائیل نخواهد بود و دمشق به کمک ایران و شبه‌نظامیان

متحدش در رویارویی مداوم با تل آویو ادامه خواهد داد. با این حال، همانطور که قبلاً ذکر شد، روسیه مایل به درگیر شدن در مناقشات ایدئولوژیک نیست و فعالانه تلاش می‌کند تا به اسرائیلی‌ها اطمینان دهد که فعالیت‌های ایران و گروه‌های متحدش در سوریه تهدیدی برای اسرائیل نخواهد بود. (۲۸) در مقابل، بر خلاف بسیاری از متحدان غربی خود، اسرائیل هرگز علناً با دخالت روسیه در درگیری سوریه مخالفت نکرده است.

ایران و روسیه همچنین دیدگاه‌های متفاوتی در مورد ایجاد یک دولت فدرال یا غیرمتمرکز در سوریه نشان دادند. در حالی که ایران همواره بر لزوم حفظ ساختار متمرکز دولت سوریه تأکید کرده بود، مقامات روسیه بارها و بارها به ایده فدرالیسم اشاره کردند. (۲۹) برای مسکو، فدرالیسم ممکن است راه‌حلی برای آغاز نوعی انتقال سیاسی معنادار در سوریه باشد و در عین حال اطمینان حاصل شود که منافع ژئوپلیتیک روسیه در غرب سوریه، جایی که تاسیسات نظامی اصلی آن واقع شده و خانه اقلیت علوی سوریه است، دست نخورده باقی خواهد ماند. در عین حال، روسیه که ایده فدرالیسم را ترویج می‌کند، موقعیت مسکو را در میان دیگر بازیگران سوریه، یعنی بخش‌هایی از اپوزیسیون سوریه که مسکو را واسطه‌ای صادق و نیرویی برای دستیابی به خواسته‌های خود می‌دانند، ارتقا می‌دهد. (۳۰) در مقابل، تهران با ایده فدرالیسم در سوریه مخالف است (۳۱)، زیرا این امر به‌طور خودکار نفوذ علوی‌ها را در سیاست سوریه کاهش می‌دهد. ایران همچنین نگران است که خودمختاری بیشتر برای کردهای سوریه، مطالبات مشابهی را در میان اقلیت کرد ایرانی ایجاد کند. در هر صورت، خیلی قبل از شروع حمله به اوکراین، روسیه نیز در نهایت به‌طور علنی از ذکر ایده تمرکززدایی خودداری کرد. یکی از دلایل ممکن است مخالفت شدید نه تنها ایران، بلکه دمشق و آنکارا با مفهوم فدرالیسم، به‌ویژه در مورد مناطق کردنشین باشد. در عین حال، یکی از اهداف مسکو ایجاد شکاف بین کردهای سوریه و ایالات متحده بود و از این طریق نفوذ آمریکا در این کشور را تضعیف کرد. وقتی این اتفاق نیفتاد، احتمالاً مسکو تغییر مسیر داد و ترجیح داد آن بازیگران دیگر، یعنی ایران، ترکیه و اسد را از خود دور نکند. در نهایت همانطور که برخی ناظران منطقه امیدوارند، آینده سوریه خیلی به این بستگی دارد که آیا الجولانی خودش به دنبال تشکیل یک دولت باشد یا به دنبال مدلی آشتی‌جویانه‌تر و فراگیرتر باشد که بتواند بازیگرانی همچون روسیه و ایران را در کنار خود حفظ کند. اما از پیروزی اپوزیسیون تا ظهور یک دولت جدید و یک کشور با ثبات که به مردم سوریه خدمت خواهد کرد، راه طولانی وجود دارد.

نتیجه‌گیری

همانطور که می‌دانیم تحولات پیشرو در غرب آسیا تا حد زیادی به تحولات وضعیت سوریه بستگی دارد. با توجه به این ظن که ترکیه ممکن است در برنامه‌ریزی اقدام نظامی مخالفان نقش داشته باشد، موقعیت روسیه به‌طور فزاینده‌ای متزلزل به نظر می‌رسد. در سناریوی کوتاه مدت می‌توان گفت واشنگتن به جای پیگیری حل مسالمانه، به تلاش برای مدیریت تشدید درگیری ادامه می‌دهد. ایالات متحده آمریکا همزمان به دنبال آتش‌بس بین اسرائیل و حزب الله است تا لبنان بتواند کنترل قلمرو خود را دوباره به دست آورد. اگر این سیاست ادامه یابد، که احتمالاً تا زمان ریاست جمهوری ترامپ در واشنگتن وجود دارد، می‌تواند حداقل مقدار کمی از اختیارات را به روسیه ارائه دهد. اگرچه مسکو توانایی خود را برای اقدام به تنهایی از دست داده است، اما همچنان می‌تواند دیگران را قادر سازد تا با افزایش

تدارک موشک‌های پیشرفته و تجهیزات دفاع هوایی خود به ایران، به تهران کمک کند تا برای رویارویی جنگ آینده منطقه‌ای آماده شود. آنچه این سناریو را کوتاه مدت می‌کند این است که جایگاه آمریکا و روسیه در منطقه به شدت تنزل یافته است. در نهایت می‌توان گفت که ارزش حمایت نظامی روسیه به دلیل شکست این کشور در اوکراین کاهش یافته است، بدین معنا که روسیه می‌داند که حضور همزمان در اوکراین، گرجستان و سوریه دیگر پایدار نیست و دردناک‌ترین راه‌حل، ترک سوریه خواهد بود. نشانه‌های اولیه حاکی از آن است که در حالی که دیپلمات‌ها و پرسنل نظامی ایران و روسیه دمشق را ترک کرده‌اند، دارایی‌های دریایی روسیه از پایگاه دریایی طرطوس خارج می‌شود. مسکو همچنین ممکن است مجبور شود پایگاه هوایی خود در حمیمیم را ترک کند. پیامدهای بلندمدت از دست دادن جای پای روسیه در سوریه فراتر از غرب آسیا است. روسیه با از دست دادن مرکز مدیترانه‌ای خود، برای حفظ پشتیبانی از واحدهای امنیتی خصوصی و نیروهای نیابتی خود که در آفریقا فعالیت می‌کنند، مبارزه خواهد کرد. این وضعیت با افزایش سناریوی اینکه اسرائیل آماده است قاطعانه در زمان دونالد ترامپ با ایران تقابل کند به این معنی است که ایران و روسیه بایستی راهبردهای امنیتی خود را تغییر دهند. در این زمینه، اسرائیل در صورت عدم توافق موثر به عملیات نظامی خود علیه حماس در غزه و در عین حال به عملیات سطح پایین علیه حزب‌الله لبنان ادامه می‌دهد و خود را برای رویارویی مجدد با ایران آماده می‌کند.

منابع

۱. Riccardo Alcaro, *West-Russia Relations in Light of the Ukraine Crisis* (Ciudad de México, Mexico: Fondo de Cultura Económica, ۲۰۱۵), ۲۴-۸.
۲. Paul Rogers, "The Ukraine Crisis in Relation to Syria and Iran," Oxford Research Group Monthly Global Security Briefing, March ۲۰۱۴, https://www.files.ethz.ch/isn/۱۷۸۶۶۲/MarchEn۱۴_۰.pdf.
۳. "Russia Steps up Criticism of NATO Libya Campaign," Reuters, May ۲۰, ۲۰۱۱, <https://www.reuters.com/article/us-russia-libya-idUSTRE۷۴J۰K۸۲۰۱۱۰۵۲۰>.
۴. Richard Sakwa, *Russia against the Rest: The Post-Cold War Crisis of World Order* (Cambridge: Cambridge University Press, ۲۰۱۷).
۵. Vladimir Troyansky, "Russia's Support for al-Assad's Syria: Reasons Old and New," *Syrian Studies Association Bulletin*, May ۱۱, ۲۰۱۲, <https://www.syrianstudiesassociation.org/ssa-bulletin> (accessed January ۳۰, ۲۰۲۴).
۶. "Russia Launches Air Attacks in Syria," *The Economist Intelligence Unit*, October ۱, ۲۰۱۵, <http://country.eiu.com/article.aspx?articleid=۱۱۲۳۵۵۴۹۶>.
۷. Roy Allison, "Russia and Syria: Explaining Alignment with a Regime in Crisis," *International Affairs* ۸۹, no. ۴ (July ۲۰۱۳), ۸۰۷-۸, <https://doi.org/۱۰.۱۱۱۱/۱۴۶۸-۲۳۴۶.۱۲۰۴۶>.
۸. Dina Gusovsky, "Russian Fighters Are Joining ISIS in Record Numbers," *CNBC*, December ۹, ۲۰۱۵, <https://www.cnn.com/۲۰۱۵/۱۲/۰۹/russian-fighters-are-joining-isis-in-record-numbers.html>.
۹. Allison, "Russia and Syria," ۸۱۹.

١٠. "Trends in International Arms Transfers, ٢٠١٢," SIPRI, March ١٨, ٢٠١٣, <https://www.sipri.org/publications/٢٠١٣/sipri-fact-sheets/trends-international-arms-transfers-٢٠١٢>.
١١. Margarete Klein, "Russia and the Arab Spring: Foreign and Domestic Policy Challenges," StiftungWissenschaft Und Politik, February ٢, ٢٠١٢, <https://www.swp-berlin.org/en/publication/russia-and-the-arab-spring>.
١٢. Gleb Bryanski. (April ٢٧, ٢٠١١). Putin: Libya coalition has no right to kill Gaddafi. <https://www.reuters.com/article/world/us/putin-libya-coalition-has-no-right-to-kill-gaddafi-idUSTRE٧٣P٤L٩/>
١٤. Jake Epstein. (Dec ١٠, ٢٠٢٤). We compared satellite images of Russia's naval base in Syria before and after Assad's fall. The warships are missing. <https://www.businessinsider.com/russian-warships-missing-from-key-base-in-syria-satellite-images-٢٠٢٤-١٢?international=true&r=US&IR=T>
١٥. The Fall of Assad: Reactions from Russia. (Dec ١٠, ٢٠٢٤). https://filterlabs.ai/actionable-analytics/fall-of-assad-reactions-from-russia?utm_campaign=Newsletter&utm_medium=email&_hsenc=p٢ANqtz-٨eONzU-٦BmEEXnUNdg٦tvnAx٠٤gtjUl-RBT٧PPuKQ٧pfvnXId٦V-IXPsqA٠We٨xsguAy٠٩N_٦NTotLDsUKKySgqoxn٩w&_hsmi=٣٣٧٩٠٧٤٣٤&utm_content=٣٣٧٩٠٧٤٣٤&utm_source=hs_email
١٦. Shahram Chubin, "Iran and the Arab Spring: Ascendancy Frustrated," Carnegie Endowment for International Peace, September ٢٧, ٢٠١٢, <https://carnegieendowment.org/٢٠١٢/٠٩/٢٧/iran-and-arab-spring-ascendancy-frustrated-pub-٤٩٦٢٦>.
١٧. Jubin Goodarzi, "Iran and Syria at the Crossroads: The Fall of the Tehran-Damascus Axis?" Wilson Center, August ٢٠١٣, <https://www.wilsoncenter.org/publication/iran-and-syria-the-crossroads-the-fall-the-tehran-damascus-axis>.
١٨. Nancy Ezzeddine and Hamidreza Azizi, "Iran's Increasingly Decentralized Axis of Resistance," War on the Rocks, July ١٤, ٢٠٢٢, <https://warontherocks.com/٢٠٢٢/٠٧/irans-increasingly-decentralized-axis-of-resistance/>.
١٩. Erik Mohns and André Bank, "Syrian Revolt Fallout: End of the Resistance Axis?" Middle East Policy Council (MEPC), ٢٠١٢, <https://mepc.org/journal/syrian-revolt-fallout-end-resistance-axis>.
٢٠. Frederic Wehrey and Karim Sadjadpour, "Elusive Equilibrium: America, Iran, and Saudi Arabia in a Changing Middle East," Carnegie Endowment for International Peace, May ٢٢, ٢٠١٤, <https://carnegieendowment.org/٢٠١٤/٠٥/٢٢/elusive-equilibrium-america-iran-and-saudi-arabia-in-changing-middle-east-pub-٥٥٦٤١>.
٢١. Goodarzi, "Iran and Syria at the Crossroads."
٢٢. Farnaz Fassihi and Leily Nikounazar. (Dec. ٨, ٢٠٢٤). Stunned Iranian Officials Try to Distance Their Country from Assad. <https://www.nytimes.com/٢٠٢٤/١٢/٠٨/world/middleeast/iran-reaction-assad-syria.html>
٢٣. Statement of the Ministry of Foreign Affairs of the Islamic Republic of Iran regarding developments in Syria. (٢٠٢٤/١٢/٠٨). <https://en.mfa.gov.ir/portal/newsview/٧٥٧٧٩١>

۲۴. Farnaz Fassihi. (Dec. ۷, ۲۰۲۴). In the Syrian Regime's Hour of Need, Its Patron Iran Makes an Exit. <https://www.nytimes.com/۲۰۲۴/۱۲/۰۷/world/middleeast/iran-syria-rebels.html>
۲۵. Nic Robertson. (December ۹, ۲۰۲۴). Syrian rebel leader's victory speech holds a message for Iran – and for Trump and Israel too. <https://edition.cnn.com/۲۰۲۴/۱۲/۰۸/middleeast/analysis-syria-rebel-leader-speech-iran-intl-latam/index.html>
۲۶. Thomas Graham. (December ۱۰, ۲۰۲۴). What Assad's Fall Means for Russia in the Middle East. <https://www.cfr.org/expert-brief/what-assads-fall-means-russia-middle-east>
۲۷. Bronwen Maddox. (۸ December ۲۰۲۴). The fall of President Bashar al-Assad is a blow to Iran and Russia – and a boost for Turkey. <https://www.chathamhouse.org/۲۰۲۴/۱۲/fall-president-bashar-al-assad-blow-iran-and-russia-and-boost-turkey>
۲۸. “Russian Envoy Says Moscow Working to Prevent Transfer of Weapons to Hezbollah,” i۲۴NEWS, February ۹, ۲۰۱۷, <https://www.i۲۴news.tv/en/news/international/۱۳۷۱۸۶-۱۷۰۲۰۹-russian-envoy-says-moscow-working-to-prevent-transfer-of-weapons-to-hezbollah>.
۲۹. Mohammad Bassiki, “Syrian Kurds Focused on Federalism,” Al-Monitor, October ۲۷, ۲۰۱۷, <https://www.al-monitor.com/originals/۲۰۱۷/۱۰/syria-federal-state-kurds-turkey-russia.html>.
۳۰. Leonid Isaev and Andrey Zakharov, “A Russian Constitution for Syria?” Intersection, March ۱۶, ۲۰۱۷, <https://www.hse.ru/mirror/pubs/share/۲۱۷۰۴۴۰۵۲>.
۳۱. “Federalism suriye va amniyat e iran [Federalism in Syria and Iran's National Security],” Taadol Newspaper, September ۱, ۲۰۱۶, <http://www.taadolnewspaper.ir/fa/tiny/news-۵۰۴۹۲>.